هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان



در نظام اسلامی، خلیفه عین حیثیتی را دارد که فرد عادی در جامعه دارد. در برابر قانون همان جایگاهی را که خلیفه دارد، یک شهروند هم دارد. در برابر قضایا نیز هر دو یکسان است.

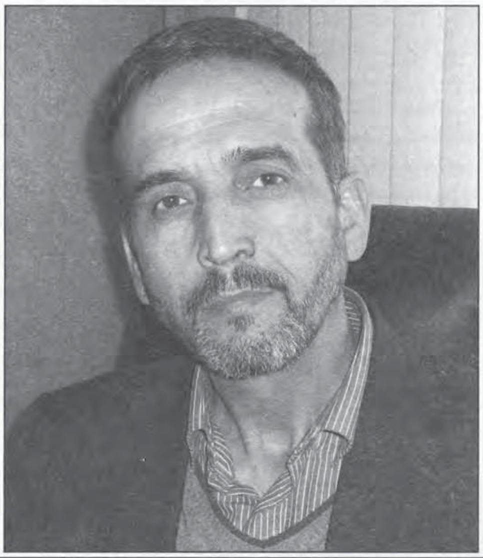
از فرموده های استاد شهید در همایش هفتمین سال تصویب قانون اساسی

(جدی ۱۳۸۹)

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ دوم ۱۹ حمل ۱۳۹۱ ۱۵ جمادی الاول ۱٤۳۳ - 7 April 2012

جمعیت به عنوان یک حزب فراگیر ملی، به ساختار سازمان یافتهٔ تشکیلاتی نیاز دارد

واقف حکیمی در مصاحبه با مجاهد:



در حیات سیاسی احزاب، برگزاری مجمع های عمومی از اهمیت زیادی برخوردار است. البته جمعیت اسلامی افغانستان در گذشته ها به دلایلی، از جمله مسئلهٔ امنیت، درگیری های دورهٔ مقاومت و... سبب شده بود که نتوانیم، این مجمع را برگزار نماییم.

در تدارک این مجمع از لحاظ مالی هم ما به ظرفیت هایی درونی این حزب توجه کرده ایم و هر عضو جمعیت در هر جایی که باشند، می تواند بر اساس توان مالی اش در این فرایند سهم بگیرد.

◇

بر اساس مشوره ها و رأی زنی هایی که صورت می گیرد، ما بعد از این در جمعیت رئیس خواهیم داشت که ریاست شورای رهبری را که در رأس همه ای امور قرار دارد به عهده خواهد داشت. ص۳

سرنوشت بودجهٔ سال۱۳۹۱ در دست یک کمیسیون مشترک

بیشترین مباحث هفته ای گذشتهٔ مجلس نمایندگان بالای دو مورد می چرخید، یکی موضوع بودجهٔ سال ۱۳۹۱ خورشیدی و دوماً موضوع بی نتیجه هایی امتحان کانکور سال ۱۳۹۰ خورشیدی. در ادامه ای این گونه بحث ها مجلس فیصله کرد تا به خاطرحل مشکلات موجوده در بودجهٔ سال ۱۳۹۱ خورشیدی به کمیسیون مشترک مجلس نمایندگان محول گردد.

با آنکه طرح بودجهٔ سال روان خورشیدی در اواخرهفتهٔ اخیرسال گذشته ازسوی مجلس نمایندگان رد گردیده بود، اما وزارت مالیه با وارد کردن تعدیلاتی که قناعت نمایندگان را فراهم نکرد، این طرح را غرض تصویب دوباره به این مجلس فرستاده است.

این در حالست که تعدیلات وارده از سوی وزارت مالیه باعث واکنش تعداد از وکلای مردم گردیده است. آنان می گویند: پیشنهاداتی را که مجلس برای رد بودجه به وزارت مالیه ارائه کرده بود در تعدیلات وزارت مالیه موجود نیست. علاوه برآن در تعدیلات وارده به مسایل تأکید شده است که برای نمایندگان قابل قبول نیست. ص۶

زنگ مکتب به صدا آمد اما زنگ خطر ناشنیده ماند!



خصوصی سازی بخش معارف و درمان، دارای مشکلات زیادی است، افراد نادار نمی توانند شامل این مکاتب گردند و بیماران نادار نیز از تداوی در کلینیک ها و یا شفاخانه های خصوصی، محروم اند. پس چگونه می توان، میان وجود مکاتب و کلینیک های خصوصی و همچنین مردم نادار و ناتوان کشور، توازنی را به میان آورد؟ این زنگ خطر، به صورت جدی به صدا درآمده و باید مسؤولین امور، این صدا ها را بشنوند و در پی چاره باشند. ص۷

حبس همسران اسامه بن لادن به اتهام ورود غیر قانونی به پاکستان!!!



روز دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته، ستره محکمهٔ کشور پاکستان اعلام داشت که همسران اسامه بن لادن را بازداشت کرده اند. به گفتهٔ دستگاه قضایی پاکستان، همسران اسامه بن لادن به اتهام ورود غیر قانونی به کشور پاکستان، ۴۵ روز حبس برای شان تعیین نموده اند که بعد از سپری شدن وقت معینه از آن کشور اخراج خواهند شد. جای تعجب است و خنده آور! اسامه به عنوان رهبر القاعده که متهم به انفجار تعمیرهای تجارتی امریکا، و گسترش تروریزم در منطقه و برخی کشورهای جهان می باشد، مدت ده سال می شود که امریکا، اسامه بن لادن را دنبال می کند، به خاطر ردیابی و دستگیر وی جایزهٔ پولی بلندی را تعیین نمود، اما سرانجام در تعمیر مجلل در شهرک نیمه نظامی ایبت آباد ردیابی و به زندگی اش خاتمه داده شد، کدام عقل سلیم باور خواهد کرد که اسلام آباد و به خصوص استخبارات آن کشور بی خبر بوده باشد. پاکستان در مورد هشت سال زیست اسامه در مهمترین منطقهٔ آنکشور مهر سکوت ص۲

سیاست های مبهم برای حضور نامشخص



وحید مژده

بعد از سپری شدن چند ماه از سر و صدا های دفتر طالبان در قطر، هنوز هم این دفتر به صورت رسمی گشوده نشده و خواست نخستین طالبان برای آزادی پنج زندانی از زندان قطر تحقق نیافته است. طالبان در عکس العمل به این اقدام امریکا، مذاکرات با این کشور را به حالت تعلیق درآوردند.

جالب اینجاست که امریکا هنوز اعضای هیأت نمایندگی خود برای مذاکره با طالبان را نیز رسماً معرفی نکرده و بنابراین هنوز هیچ مذاکره ای به صورت رسمی میان دو طرف صورت نگرفته است. حکومت افغانستان از سیاست های مبهم امریکا در مورد افغانستان سخت نگران است که از آن جمله یکی هم عدم وضاحت نقش حکومت افغانستان در مذاکرات قطر می باشد. مشکلاتی که امریکا در افغانستان به آن مواجه است سبب شده تا این کشور به گشودن دفتری برای طالبان در قطر توافق نماید که به معنی آغاز مذاکرات صلح است. اگر مشکل افغانستان از راه جنگ قابل حل می بود، امریکا هرگز گزینهٔ صلح و مذاکره را با کسانی مطرح نمی کرد که در سال ۲۰۰۱ رژیم آنها را به خاطر پناه دادن به القاعده سرنگون کرد.

اما گزینهٔ صلح نیز برای امریکا گزینهٔ سهل و آسانی نیست. تردید و ابهامی که در سیاست های امریکا در مورد افغانستان دیده می شود، کار را به جایی رسانیده که رئیس جمهور کرزی ص۲

به بهانهٔ روز جهانی صحت

نیاز مردم افغانستان به عرضهٔ خدمات صحی ص۵

◇

جاسوسان محاکمه می شوند ص۲

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵ / ۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سیاست های مبهم برای حضور نامشخص

ادامه از صفحهٔ اول

از امریکا می خواهد تا این مسئله را روشن سازد که بعد از سال ۲۰۱۴ خواهان چه نوع حضور در افغانستان است. چه تعداد سرباز و در کجاها مستقر خواهند بود، این حضور چه اهدافی را دنبال خواهد کرد و بهرهٔ افغانستان از این حضور چه خواهد بود؟ وقتی رئیس جمهور این کشور نمی داند که امریکا در افغانستان به دنبال چیست، پس از دیگران چه انتظاری می توان داشت؟

خانم هلیری کلنتن به جای دادن جواب روشن به این سوال اقای کرزی گفت که، امریکا بعد از سال ۲۰۱۴ نیروی اندکی در افغانستان خواهد داشت اما هرگز خواهان داشتن پایگاه دایمی در افغانستان نخواهد بود. این جواب همچنان بُعد حقوقی حضور امریکا بعد از ۲۰۱۴ را در پردهٔ ابهام نگهمیدارد. آیا امریکا تا سال ۲۰۱۴ در انتظار تحولی بزرگ در جهان و یا حداقل در این منطقه است که اکنون نمی خواهد به این سوال پاسخ روشن بدهد؟

حضور دایمی امریکا مشکلی است که طالبان سخت با آن مخالف اند. پس در شرایطی که امریکا قصد مذاکره با طالبان را دارد، نمی خواهد با مطرح کردن این مسئله، مذاکرات قطر را با خطر مواجه سازد.

سفر وزیر خارجهٔ افغانستان به قطر از جمله مسایل خبرساز در رسانه ها بود. زلمی رسول در سفر به قطر با مقامات آن کشور در مورد بهبود روابط میان دو کشور مذاکره کرد و نیز در مورد نقش حکومت افغانستان در پروسهٔ صلح با آنها تبادل نظر نمود.

وزیر دولت در امور خارجهٔ قطر در این دیدار، روی نقش رهبری کنندهٔ افغان ها در مذاکرات صلح تاکید نمود اما آنچه مسئله را عجیب جلوه می داد، سخنان معین وزارت خارجهٔ افغانستان بود که گفت: حکومت افغانستان با دولت قطر توافق نمود تا دفتر قطر برای طالبان را باز نماید! به عبارهٔ دیگر، باز شدن این دفتر مربوط به اجازهٔ دولت افغانستان بوده است!

به نظر می رسد که حکومت افغانستان در پروسه ای که از آن کنار نهاده شده و هیچ جائی هم برایش در نظر گرفته نشده است، می خواهد به صورت مستقل با قطر مذاکره نماید و از طریق تبلیغات می خواهد به مردم افغانستان نشان دهد که حکومت هم در این مذاکرات دارای نقش است اما نباید فراموش کرد که یک جهت دیگر این قضیه یعنی طالبان، موضوع مذاکرات بین الافغانی را مربوط به حل مشکل خارجی قضیه یعنی اعلام خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان می دانند. بنابراین مشخص است که تا امریکا تاریخ خروج کامل نیروهای خود از افغانستان را اعلام ننماید، طالبان فقط گزینهٔ جنگ را در جلو خواهند داشت و هیچ مذاکره ای با دولت افغانستان انجام نخواهند داد.

در چنین فضائی از ابهام، حکومت افغانستان اعلام داشته است که در مذاکره بر سر بازرسی های شبانه با امریکا به توافقی نزدیک شده است. قبلا امریکایی ها در مورد سپردن مسوولیت زندان بگرام به حکومت افغانستان به توافق رسیده اند.

دولت افغانستان با مخالفت با بازرسی های شبانه و امریکایی ها با تاکید براینکه این کار در مبارزه علیه هراس افگنی موثر است، درگیر کشمکش اند. این کشمکش و سروصدا موجب شده تا مسایل مهمتری در این رابطه مورد توجه قرار نگیرد و از دید مردم بدور باقی بماند.

بزرگترین مشکل حضور نیروهای خارجی مسئلهٔ جنبه های قضائی حضور نیروهای خارجی در افغانستان است. سوال اینست که اگر یک سرباز امریکایی در افغانستان مرتکب جرم و جنایت گردد، بر طبق کدام قانون باید محاکمه شود؟

امریکا در کشور های دیگر برای اتباع خود، حق (قضاوت قنسلی) قایل است که آن را کاپیتولاسیون نیز می گویند.

کاپیتولاسیون عبارت است از معاهداتی که به موجب آن بیگانگان حق اقامت در کشور دیگری را برای خود تحصیل و از برخی حقوق و مزایا به طور اختصاصی بهره مند می شوند و به عبارت دیگر، کاپیتولاسیون عبارت از حق قضاوت خارجیان در کشور بیگانه است. به موجب چنین حقی، تمام اتباع امریکا در افغانستان از مصئونیت دیپلوماتیک برخوردار می شوند و در صورت وارد آمدن اتهامات حقوقی یا جزائی بر آنان، دادگاه های افغانستان حق نخواهد داشت تا آن ها را بر طبق قوانین خود محاکمه نماید. مراجع امنیتی افغانستان حق ندارند یک امریکایی را در صورت ارتکاب جرم زندانی و محاکمه نمایند و دادن چنین حق به خارجی ها، به معنی دست برداشتن از آزادی و استقلال کشورخواهد بود. این مسئله در قضیهٔ کشتار پنجوائی یکبار دیگر دیده شد که درحالی که پارلمان کشور خواهان محاکمهٔ مجرم در محاکم افغانستان بود، امریکایی ها از این کار خودداری ورزیدند.

لویه جرگهٔ عنعنوی که برای بحث روی موضوع قرارداد استراتژیک با امریکا تدویر یافته بود، بیش از شصت مورد را به عنوان شرایط امضای این قرارداد با امریکا مشخص ساخت که یکی از آنها هم تاکید بر عدم قبول حق قنسلی به اتباع امریکا در افغانستان بود اما آقای کرزی فقط روی زندان ها و بازرسی های شبانه تاکید دارد.

در بازرسی شبانه اکنون ظاهراً این تغییر به میان آمده که این کار به رهبری نیروهای افغان و با اجازهٔ محکمهٔ افغانستان صورت خواهد گرفت. سوال اینست که وقتی شب هنگام گزارش می رسد که تعدادی از طالبان در خانه ای تجمع کرده اند، مجوز قانونی این بازرسی را کدام محکمه در نیمه شب صادر می کند؟!

یک راه اینست که محکمه، حکم هائی را بدون ذکر نام و محل عملیات صادر نموده و در اختیار نیروهای افغان بگذارد و آنها هم وقتی دست به عملیات می زنند، نام محل و اشخاص و تاریخ عملیات را خود شانْ در این احکام بنویسند!! در غیرآن در حالی که نیروهای خارجی همیشه بر محرم بودن محل عملیات و نیز سرعت این عملیات تاکید دارند و به همین دلایل از شریک ساختن نیروهای افغان دراین گونه عملیات خودداری می ورزیدند، چگونه ممکن است تا برای چنین عملیات و بازرسی ها از محکمهٔ افغانستان حکم رسمی عملیات نظامی بگیرند که زمانگیر بوده و امکان افشای آن قبل از آغاز عملیات ممکن است؟!

جنگ امریکا در افغانستان از همان ابتدای کار از هیچ قانونی تبعیت نمی کرد و در آینده نیز چنین خواهد بود و همین مسئله موجب دوام این جنگ است. بنابراین حکومت افغانستان بیهوده در تلاش است تا نقاب قانونی برای چهرهٔ کریه این جنگ که تاکنون بیشترین قربانیانش مردم بیگناه و غیرنظامی بوده اند، دست و پا کند.

حبس همسران اسامه بن لادن به اتهام ورود ...

بر لب داشت و غیر قانونی (!) نخواند، اما همسرانش حبس نمایشی ورود غیرقانونی می گردند.

سه همسر اسامه، یکی از کشور یمن و دو تن دیگر از کشور عربستان سعودی (زادگاه اسامه) اند. از قول یکتن از خانم های اسامه (امل) گفته شده که، اسامه بن لادن پیش از کشته شدن اش، مدت هشت سال در پاکستان اقامت داشت که در این مدت صاحب چهار فرزند شده بود. شاید ناگفته های از عملکردها و محلات زیست و ارتباطات و نحوهٔ زندگی اسامه در آینده از سوی همسرانش افشاء خواهد شد.

اسامه بن لادن در اوایل سال گذشته در منزلش در ایبت اباد (شهرک نیمه نظامی) پاکستان در یک عملیات نیروهای کماندوی امریکا کشته و به بحر انداخته شد. چند ماه پیش تعمیر اقامتگاه اسامه از سوی پاکستان تخریب گردید. آگاهان بدین باور اند، انداختن جسد اسامه به بحر و تخریب منزل رهایشی وی در ایبت آباد پاکستان، بدین جهت بوده است تا نشانی از رهبر القاعده بجا نماند که در تحولات بعدی، به زیارتگاه طرفدارانش مبدل گردد.

سرمقاله

جاسوسان محاکمه می شوند

لوی سارنوالی کشور، هفتهٔ گذشته گفته است، دوسیه های دو شهروند کشور که متهم به جاسوسی برای کشور پاکستان اند، تکمیل و به زودی محاکمه می شوند. این نهاد از تحقیقات دو فرد دیگر که برای کشور ایران جاسوسی می نمایند، نیز خبر داده است. پیش از این، از سوی ریاست امنیت ملی چهار نفری که دو تن آن ها مربوط وزارت های خارجه و احیاء و انکشاف دهات خوانده شده بودند، به اتهام جاسوسی و قراردادن اسناد محرم به کشورهای همسایه اعلام گردیده بود، به گفتهٔ لوی سارنوالی، دوسیهٔ دو تن که به آن اداره رسیده، در جریان تحقیق به جرم شان (جاسوسی) اعتراف نموده اند.

افغانستان کشوریست که در حدود چهار دهه ناامنی، تجاوز، مداخلات پیدا و پنهان استخبارات کشورهای دور و نزدیک، این کشور را به چالش ها و تنش های گونه گون روبرو ساخته است. جاسوسانی که به مثابهٔ مارهای آستین پنداشته می شوند، کشور و مردم ما را از داخل بسیار ماهرانه خنجر می زنند، اسناد و گزارش های محرم را در اختیار دشمنان قرار می دهند، این ها خائنین ملی اند که به حیثیت و آبروی وطن و وطنداران شان توجه ندارند و بار نوکری بیگانگان را به دوش می کشند.

آقای کرزی در دومین اجلاس سراسری والیان و فرماندهان ولایات در کابل (سرطان ۱۳۸٤) با لحن تندی گفته بود، «من به ادارات مربوط وظیفه سپرده ام که جاسوسان خارجی را در صورت شناسایی از کار برکنار کنند و در مواردی هم اگر این افراد در موقف بلند کار می کردند، امر کرده ام که نام های آنان افشاء شود... باید متوجه باشیم که مخبرهای خارجی را از ادارهٔ افغانستان ریشه کن کنیم.» مواد مخدر، فساد اداری و جاسوسی خیانت هایی است که به نوبهٔ خود تیغ زهرآلود را در قلب کشور ما فرو می برد که مبارزه با این پدیده های شوم، وظیفهٔ دولت، نهادهای امنیتی و شهروندان کشور بوده و در خشکانیدن ریشه های آن بسیج شوند. همینطور وزرایی وقت وزارت های امور داخله و مبارزه با مواد مخدر (علی احمد جلالی و جنرال خدایداد) در سال ۱۳۸۸ از افشای لیست افراد بلندپایهٔ دولتی که در تولید و قاچاق مواد مخدر دست دارند، سخن زده بودند که تا هنوز جنبهٔ عملی پیدا نکرده، و معلوم نیست این لیست ها در کدام دوسیه ها و مخزن ها بلاتکلیف در قید بسر می برند.

بر دولت و نهادهای امنیتی کشور است تا چنین چهره هایی مزدور را شناسایی و محاکمهٔ علنی نماید. اعمال خائنانهٔ این اجیران خارجی است که کشورما را به چالش ها و تنش هایی بیش از حد روبرو ساخته، و از توسعه و پیشرفت باز می دارد. زیرا دشمنان حاکمیت و مردم مسلمان افغانستان، در طول دهه های اخیر همه سعی و تلاش شان بر این بوده است، تا افغانستان دارای حاکمیت ضعیف، مردمان فقیر و محتاج بوده باشند. آنها می خواهند کشورما و باشندگان آن در امن و رفاه نباشد تا از این بدامنی، تشتت، پراگندگی و فقر، دشمنان استفاده برند و ماهی مراد خودها را به دست آرند.

جمعیت به عنوان یک حزب فراگیر ملی، به ساختار سازمان یافتهٔ تشکیلاتی نیاز دارد

مصاحبه کننده: عنایت

مجمع عمومی جمعیت اسلامی افغانستان طی ماه های آینده به منظور بازنگری نهادهای انتخابی جمعیت اسلامی افغانستان برگزار می گردد. به همین مناسبت هفته نامهٔ مجاهد گفتگویی را با آقای واقف حکیمی رئیس کمیسیون تدارکات برگزاری مجمع عمومی انجام داده است که از نظر خوانندگان عزیز می گذرد. «اداره»

قرار است مجمع عمومی جمعیت اسلامی افغانستان به منظور انتخاب رئیس جمعیت اسلامی افغانستان در آیندهٔ نزدیک برگزار گردد، می خواهم از پیشرفته ها و ضرورت راه اندازی این مجمع، به عنوان مسؤول آن روشنی بیاندازید؟

به نام خدا، ضرورت برگزاری این مجمع در زمان حیات رهبر شهید مطرح بود. به این منظور رهبر شهید در ۱۱ ثور ۱۳۸۹ طی همایشی، کمیسیونی را تعیین نمودند. از سوی دیگر در حیات سیاسی احزاب، برگزاری مجمع های عمومی از اهمیت زیادی برخوردار است. البته جمعیت اسلامی افغانستان در گذشته ها به دلایلی، از جمله مسئلهٔ امنیت، درگیری های دورهٔ مقاومت و... سبب شده بود که نتوانیم، این مجمع را برگزار نماییم. اما جمعیت به عنوان یک حزب فراگیر ملی نیاز دارد که از لحاظ ساختاری سازمانی و تشکیلاتی، بازسازی و بازبینی شود تا مسؤولیت ها مشخص گردد. بنا بر آن تلاش های کمیسیون ادامه دارد، تا به توفیق خدا بتوانیم مرامنامه و اساسنامه را بازنگری کنیم و مجمع عمومی سراسری را در آیندهٔ نه چندان دور برگزار نماییم.

کار پیش نویس مرامنامه و اساسنامه به صورت عادی ادامه دارد اما تصویب اش در نخستین جلسات مجمع صورت می گیرد و بر مبنای آن سیاست ها، ساختار های تشکیلاتی جمعیت اسلامی افغانستان تعریف می گردد و شکل می گیرد.

مجمع عمومی بر اساس کدام اصول و معیارها برگزار می گردد؟

طرزالعمل ها آماده شده و به اساس آن مجمع عمومی را برگزار می نماییم، تا زمینهٔ برای نهادینه شدن فعالیت های حزبی و سازمانی را آماده سازیم و یک مجمع عمومی تعریف شدهٔ جمعیت اسلامی افغانستان را به منظور انتخاب مسؤولان و نهادهای جمعیت داشته باشیم.

آنگونه که معلوم است در نشست های مقدماتی گفته شده بود، تدویر مجمع عمومی نیاز به بودجه دارد، تا هنوز در قسمت تعیین بودجه به توافقاتی رسیده اید یاخیر؟

ما اصل کار را برای سهم گیری و مشارکت همه اعضای جمعیت اسلامی افغانستان گذاشته ایم، تا خود شان در روند برگزاری این مجمع سهم بگیرند، در تدارک این مجمع از لحاظ مالی هم ما به ظرفیت هایی درونی این حزب توجه کرده ایم و هر عضو جمعیت در هر جایی که باشند، می تواند بر اساس توان مالی اش در این فرایند سهم بگیرد.

تا هنوز کسی و یاکسانی ابراز علاقه مندی نشان داده اند تا در این امر کمک مالی نمایند؟

تا هنوز به صورت رسمی از کسی دعوت صورت نگرفته، اما میکانیزمی که عبارت از حساب بانکی باشد و شیوه هایی دعوت برای سهم گیری اعضای جمعیت به منظور کمک مالی برای برگزاری مجمع عمومی باشد، شده است.

در حلقاتی بیرونی از برخی چهره ها به عنوان رئیس آیندهٔ جمعیت نام برده می شود، این چهره ها تا هنوز برای پذیرش سمت ریاست جمعیت اسلامی آمادگی گرفته اند یا خیر؟

کار همهٔ امور برگزاری مجمع عمومی بر اساس هدایات و رهنمایی هایی رهبر شهید، برگزار می گردد. یکی از این کارها ترتیب اوراق و اسنادی کاندیداها برای مسؤولیت نهادها و پست های انتخابی مانند، انتخاب شورای رهبری و شورای اجرائیهٔ جمعیت و نهادهای دیگر می باشد. اصل در مرحلهٔ کنونی براین گذاشته شده است که، در جمعیت جایگاه منحصر به فردی را که رهبر شهید داشت، دیگر افراد به آن پیمانه نخواهند داشت. بر اساس مشوره ها و رأی زنی هایی که صورت می گیرد، ما بعد از این در جمعیت رئیس خواهیم داشت که ریاست شورای رهبری را که در رأس همه ای امور قرار دارد به عهده خواهد داشت.

رهبر شهید جمعیت اسلامی افغانستان از جایگاه بلند علمی و معنوی برخوردار بودند، با شهادت شان خلاء بزرگی ایجاد شده است که بدون شک با تکیه بر آراء و مشارکت جمعی و شکل دادن به این ساختار ها، تا جایی مرفوع خواهد شد.

چالش هایی عمده بر سر راه برگزاری مجمع عمومی را در چه می دانید؟

به دلیل گستردگی جمعیت، در انتخاب افراد به منظور شرکت در مجمع عمومی، بدون شک با چالش هایی جدی مواجه هستیم، اما برگزاری این مجمع از خواسته هایی اساسی اعضای جمعیت، در مقطع کنونی تلقی می شود. فکر می کنم که تمام این گونه چالش ها، راه حل خواهد یافت و ما به یاری پروردگار مجمع عمومی را برگزار خواهیم کرد.

در صورتی که مجمع عمومی برگزار گردد، سقف و میزان مشارکت مردم در این نشست، پیش بینی شده است یاخیر؟

تا هنوز تعداد اشتراک کنندگان از سوی کمیسیون تدارکات محدد و معلوم نشده، اما رأی زنی هایی ابتدای نشان می دهد که بین یک هزار و پنجصد تا دو هزار نفر در این مجمع عمومی حضور داشته باشند. به باور بنده، این تعداد بسیار چشمگیری برای مجمع عمومی جمعیت اسلامی افغانستان نیست، در صورتی که دو هزار نفر از شخصیت ها و افراد نخبه هم که دعوت شوند، بازهم بی تردید کسانی دیگری نیز باقی خواهند ماند، اما ما درنظر داریم که این گزینش هم به گونهٔ انتخابی بوده باشد تا سقف مشارکت و انتخاب همه افراد مهم اعضای جمعیت اسلامی به گونهٔ میسر شود که افراد دعوت شده را متباقی به عنوان نمایندگان خود تلقی نمایند.

چه ضمانتی وجود دارد که در مجمع عمومی جمعیت تمام افراد منسوب به این حزب سراسری بتوانند شرکت کنند؟

اعضای کمیسیون تدارکات که بیشتر از صد نفر هستند، این ها از ولایت هایی مختلف، نحله ها و اقشار مختلف نمایندگی می نمایند، باورمند هستیم که همه باریکی ها و ظرافت های جامعهٔ افغانستان را رعایت خواهند نمود، با آن که هیچ کار بشری خالی از نقص نیست، اما تاحدی تلاش خواهیم نمود که سطح رضایت را بالا برده و نارضایتی ها را کاهش بدهیم.

آنگونه که معلوم است برخی از افراد در قریه ها و ولسوالی ها به اصطلاح خود را تکه دار جمعیت می دانند، در حالی که خیلی از وارثان مجاهدان گمنام و ورثهٔ شهداء از آنان راضی نیستند، در صورتی که توجه به این قشر زاویه نشین صورت نگیرد، آیا مشروعیت انتخابات زیر سوال نمی رود؟

جمعیت اسلامی افغانستان که در جامعه نقش و حضور مردمی چشمگیر دارد، متأسفانه از یک سازماندهی حزبی و ساختاری رنج می برند. جمعیت اسلامی افغانستان با آن که یک حزب فراگیر، تاریخی و گسترده در شرایط کنونی گذشته از پیش نیازمند این سازماندهی است.

برای نهادینه کردن این کار تلاش و کار زیاد ضرورت است، یکی از کارهای بنیادین هم برگزاری مجمع عمومی برای سازمان دادن این ضرورت مبرم می باشد.

نقش مشارکتی زنان، در تعیین ساختارهای آیندهٔ جمعیت چگونه است؟ آیا زنان می توانند خود را برای ریاست جمعیت اسلامی افغانستان کاندیدا نمایند یا خیر؟

زمینه هایی اشتراک گستردهٔ زنان در تمام عرصه ها و سطوح فعالیت های درون سازمانی مهیا می باشد و هیچ محدودیتی وجود ندارد.

رهبر شهید مان نیز از منادی بزرگ تحقق حقوق زن در جامعهٔ افغانستان بودند، در نهضت اسلامی و جمعیت اسلامی هیچ گاهی نقش زنان نادیده گرفته نشده است.

زنان پیوسته با جزر و مدهایی در فعالیت های جمعیت اسلامی افغانستان حضورداشتند. همین حالا نیز در ترکیب کمیسیون تدارکات بخش عمده را خواهران تشکیل می دهند و من یقین دارم که بخش مهمی را در مجمع عمومی نیز خواهران تشکیل خواهندداد.

جوانان چه نقشی دراین مجمع عمومی خواهند داشت؟

جوانان نیز بسان زنان، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی در مجمع عمومی نقش و حضور چشمگیری خواهند داشت و برای این منظور سازکارهایی در نظر گرفته شده است.

برخی از شخصیت ها که در گذشته منسوب به جمعیت بودند، اما طی تحولات سال های گذشته هرکدام جریان های سیاسی مستقل ایجاد کرده اند. آیا آنان می توانند دو باره به جمعیت باز گردند و شامل ساختار جمعیت شوند.؟

مطابق اساسنامه و مخصوصاً اساسنامهٔ بازنگری شده و طرزالعملی را که برای تدارک مجمع عمومی آماده خواهیم کرد، همه موارد درآن پیش بینی شده و این که چه کسانی می توانند برای پست های گوناگون جمعیت، خود را نامزد کنند، شرایط و مواصفات شان در آن درنظر گرفته شده است.

سپاس

نقش فرهنگ در رشد و توسعه

سیدمحمد خیرخواه

فرهنگ چیست؟ طوری که می دانید کلمهٔ فرهنگ بر علم و دانش ادب و هنر تعلیم و تربیت آثار علمی تاریخی و ادبی و به تعبیر عامتر و کامل تر بر مجموعهٔ علوم و معارف آداب و رسوم (عنعنات) و هنرهای گوناگون یک قوم و یک (ملت) چه در گذشته و چه در آینده بر همهٔ آنها اطلاق می شود.

دانشمندان علوم اجتماعی تعاریف مختلفی از مفهوم فرهنگ را ارائه کردند و برای ملت نیز تعاریف گوناگونی را بیان داشتند تعدادی بدین باور اند که ملت عبارت از مجموعه مردمی است که دارای فرهنگ دین نژاد- تاریخ زبان رسوم و عنعنات مشترکی بوده و در سرزمینی مشترکی با هم زیست کنند و عده ای دیگری می گویند که ملت عبارت از مجموعهٔ مردمی است که دارای منافع مشترکی بوده و در سرزمین مشترکی باهم زندگی دارند. و از نظر اسلام ملت به مفهوم و معنی راه و روش دین و آئین آمده و در قرآن کریم کلمهٔ ملت در چندین مورد ذکر گردیده است.

(ملته ابیکم ابراهیم هو سماکم المسلمین) سوره حج آیهٔ ۷۷ که به این معنی مفهوم ملت نسبت به اصطلاحی که در فرهنگ سیاسی فارسی از آن استفاده می شود متفاوت به نظر می رسد و مرادف کلمهٔ ملت به این معنی در زبان عربی کلمهٔ (شعب) به کار رفته است. چنانچه در سورهٔ حجرات آیهٔ ۱۳ پروردگار عالمیان فرموده است: «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و از شما ملت ها و گروه های پدید آوردیم تا یکدیگر را باز شناسید و حقا که گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیز گار و پارساترین شما است» ولی نظر به واقعیت های موجودی که امروز پیش روی ما قرار دارد در جهان معاصر ملت بیشتر به مفهوم متعارفش بر تعریف یاد شده فوق صدق پیدا می کند. اگرچه از نظر اسلامی و اعتقادی کلمهٔ ملت به مفهوم هم نژادی و هم خونی با خواسته اسلام که ملت به معنی راه و روش دین و آئین بوده تفاوت زیادی دارد مگر در اینجا دو موضوع را نباید از ذهن خویش دور داشته باشیم:

اول: حالت موجودی است که می بینیم در (امت) اسلام ملت عرب، ترک، افغان، ایرانی، پاکستانی، اندونیزیائی و سایر ملت ها ی مختلف که هر کدام دارای کشور مستقلی، زبان جداگانه ای تا ریخ عرف و عادات و چیزهای مخصوص مختص به خود بوده و در عرصهٔ جهانی موجود اند.

دوم: حالت مطلوب و آرمانی است که آن وحدت امت اسلام بوده که این حالت مطلوب خواسته قلبی و اعتقادی مسلمانان است و در قرآن کریم جامعهٔ مسلمانان بیشتر به عنوان و تعبیر (امت) بیان شده، سوره بقره آیه ۱۴۳:«و بدینگونه شما را امتی میانه ساختیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.» که بدینصورت می بینیم جامعهٔ مسلمانان از چهار چوب محدودیت سرزمینی و قومی بیرون آمده و بیشتر در آن مرز عقیده و ایمان مطرح می گردد ولی نظر به واقعیت های موجود زندگی امروزی ملت بیشتر به گروهی از انسان های اطلاق می شود که در سرزمین مشخصی سکونت داشته و پیوند های تاریخی و فرهنگی و اعتقادی آنها را به یگدیگر متصل ساخته باشد از این جهت می توان گفت: فرهنگ ملی بر مجموعهٔ علوم، فنون، معارف، آثار علمی و تاریخی روش زندگی رسوم و عنعنات که یک قوم و یک ملت در طول تاریخ گذشته حال و آیندهٔ خویش صاحب بوده مجموعهٔ آنها را شامل می گردد که از این جهت رشد و توسعهٔ علمی و تعمیم و انکشاف مفاهیمی چون تاریخ زبان رسم و عادات و عنعنات مشترک و از همه مهمتر دین و اعتقادات مشترک می تواند بزرگترین عاملی در راه انسجام و تحقق و تکوین واقعی (ملت) به حساب رود.

با درنظرداشت تعاریف مختلفی که در بالا به آن اشاره رفت به این نتیجه خواهیم رسید که نقش و توسعهٔ فرهنگی در تکوین و تشکل و انسجام و متحد ساختن مردم و بیرون ساختن آنها از حلقه های کوچک قبیله ای و طایفه ای محلی و منطقه ای چقدر بارز و درخشان بوده و عامل بزرگی در تکوین و انسجام همه جانبهٔ ملت محسوب می گردد زیرا تا زمانی که مردم خود را از قالب های کوچک قومی و قبیلوی که باعث قطع ارتباطات شان از یگدیگر می گردد بیرون نیاورند و خود را به یگدیگر نزدیک فکر نکنند و وسعت دیدشان فقط در حول و حوش قوم و قبیله و محله خودشان تمرکز داشته باشد مشکل است در چنین حالتی به مفهوم (ملی) و زندگی مشترک اجتماعی (شهروندی) بتوان مصداق واقعی پیداکرد.

محکوم حرص ویأس مراتب چه ممکن است
بـــا شـــرم کـــار نیســـت زبـــان ســـؤال را

شادروان استاد نجیب الله حسرت فاریابی



تحلیل برخی از غزلیات ابوالمعانی بیدل رح

محکوم حرص

تصویرعمومی:

درفطرت انسان، غرایز وخواسته های بسیاری موجود است. هر یک از این خواسته ها وغرایز به نحوی از انحا چون تند بادی، زورق حیات را درتلاطمگاه بیکران هستی به هرطرف میکشد ودستخوش حوادث ومصایب میگرداند.

بعثت انبیاء علیهم السلام سعی وتلاش خیراندیشان و مصلحان بشر نیز در نهایت جزاین نبوده است، تا این غرایز و خواسته های سرکش را مهارنموده وآن را به حد اعتدال که خیرالاموراست، نگه دارد. زیرا افراط در اشباع این غرایز سبب مصیبت وبدبختی فرد، اجتماع وبالاخره ملتها و امپراتوریها گردیده وهمچنان تفریط دراین باب باعث رکود، عطالت و عدم تحرک میگردد.

«حرص» یا زیاده طلبی که ضد قناعت است، از جمله غریزه هایی است که در طبیعت وفطرت هر انسان موجود است وهر کس با درنظر داشت شدت وضعف این غریزه، اعمالی را جهت اشباع آن آگا ها نه ویا نا خود آگاه انجام میدهد.

مصایب و بدبختیهایی که درطول تأریخ برای بشریت به اثر افراط در اشباع این غریزه به وجود آمده، سخت تکان دهنده و عبرت انگیز است.

فرعون که حریص جاه وجلال وقدرت بود، چنان فریفتهٔ این اساب گردیده که حتی دعوای خدایی کرد.

نمرود وشداد به واسطهٔ حرصی که برشوکت وسیادت داشت، در قلمرو خویش کسی را نگذاشت که به وی بگوید«بالای چشمت ابروست» و حتی با اشارهٔ منجمی هزاران طفل نو زاد را نیز زنده نگذاشتند.

اسکندر وچنگیز، هتلر واستالین نیز از تشنه گان قدرت بودند وملیونها انسان را سربه نیست نمودند.

اشخاص حریص در زنده گی فردی و معا شرتی نیز پا بند هیچ نوع معیار و قا نون نیستند. زیرا مشا عر ودرک همچو اشخاص چنان تحت الشعاع حرص و زیا ده طلبی قرار میگیرد که جز، وصول به خواسته های این عریزه به چیزی دیگری نمیتوانند توجه کنند وطبعاً این گونه اشخاص که محکوم حرص اند، از«شرم» که جز ایمان وقوهٔ مهم باز دارنده از اعمال منفی است، محروم اند واز اشخاص فا قد شرم نمیتوان رعا یت معیار ها وپاس مراتب را توقع داشت.

بیدل رح عوا قب کسا نی را که محکوم حرص اند ازبعد عرفا نی- اجتماعی مورد تحلیل وتجزیه قرار داده ونتیجهٔ این ارزیابی اش بیت عمیق وزیبایی است که نوشتهٔ امروزی ما بدان مصدر است.

الفاظ وکلمات:

در مصراع اول دو ترکیب اضا فی که عبارت از«محکوم حرص» و «پاس مراتب» است بر علاوه یی که دارای مفهوم وسیع، فرا گیر ودر عین حال زنده و یا روح است از نگاه علم معا نی دارای «ایجاز» نیزاست.

و همچنان بیدل رح در این بیت حرص را به سؤال تشبیه داده است که اشخاص حریص با وجود تمول و داشتن دارایی به منزلهٔ همان کسی است که اصلاً دارایی نداشته و دست به سوال میزند، مال دار، باز هم گدا ست. برعلاوهٔ این محا سن نیز صنعت مدعا مثل که ا ز زیبا ترین محا سن معنوی درعلم بدیع شمرده میشود، دراین بیت رعایت گردیده است. زیرا مفهوم مصراع دوم به منزلهٔ شا هد و گواه برای اثبات مفهوم مصراع اول است.

مفهوم تفصیلی:

حضرت ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل رح در بارهٔ کسانی که محکوم حرص ومقهور زیاده طلبی اند، با در نظرداشت بعد«بعد عرفانی واجتماعی» نکتهٔ مهمی را بیان نموده وآن عبارت از«پاس مراتب» است. مسئلهٔ پاس مراتب مسئلهٔ مهمی است. زیرا مراعات این امر به حیث عامل عمدهٔ تأمین نظم ورعایت معیار ها ست ومیتوان از«پاس مراتب» به ادب تعبیر نمود. زیرا، ادب خود، عین رعایت مراتب است. پس کسی که محکوم حرص وآز است، درحقیقت ازپا سداری مراتب و ادب کاملاً محروم است و طبعاً کسی که ادب ندارد، نمیتواند به مقام والای انسا نیت و معنویت واصل شود. زیرا«الطریقه کلها اداب» و همچنان از نگاه بعد اجتماعی نیز چنین اشخاص هیچ گونه موقف وپایگاهی درنزد اجتماع حاصل کرده نمیتوانند.

آری! محکومان حرص وآز به سا حلی میما نند که ازشرم بهره ای ندارند. از ادب نیز محروم اند. پس نمیتوان از ادب پاس مراتب را انتظار داشت.

خلاصهٔ مفهوم:

کسا نی که غرق حرص وآز ا ند، ممکن نیست پاس مراتب و رعایت ادب را از آنها توقع کرد. زیرا کسی زبا نش به سؤال عادت گرفته باشد از شرم وحیا دوراست. پس اشخاص نیز با وجود دارایی مثل گدا بلکه در بی حیا تی برتر از آن است.

چند بیت دیگر ازاین غزل:

بر طاق نه تبختر جاه و جلال را
چنین سلام کرد به یک مو سفال را
طاووس ما اگر نه پر افشان ناز اوست
رنگ پریده که چمن کرد بال را
پرگشتن و تهی شدن ازخویش عالمیست
آیینه کن عروج و نزول هلال را

*

نگاهی به پیدایش و پیشینهٔ

نوروز

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

بخش سوم و پایانی

گروه گل گردانان این گونه سرود های بهاری را در عقب منازل و خانه های روستائیان می سرودند؛ مانند این سرود که در این شماره به نشر رسیده و نظر به اهمیت آن در این جا ذکر می کنیم:

ز اول چون ثنا گویم
ثنای کبریا گویم
درود مصطفی گویم
بهار نو مبارک باد
به هر جا برف و باران اس
جو و گندم فراوان اس
بهار از فضل یزدان اس
بهار نو مبارک باد
بهار از فضل داور شد
به صحرا لاله زیور شد
همه عالم معطر شد
بهار نو مبارک باد
گل زردک که بیرون شد
همه عالم دگرگون شد
پر از گل دشت و هامون شد
بهار نو مبارک باد
عجب بخت جوان داریم
بهار گل فشان داریم
به کوه ها ارغوان داریم
بهار نو مبارک باد

یک سلسله سرود های نوروزی به طور شفاهی در ادبیات محلی ما وجود دارد که با حال و هوای نوروز ساخته شده است. در این جا بی مورد نیست که چند نمونه یی آن را که مرحوم شمس الدین ظریف صدیقی از ولایت تخار جمع آوری نموده است ذکر، نمائیم:

نو روز ز نو باز آمده
بلبل به آواز آمده
دلها به پرواز آمده
بابا بده نو روزی ام
گلها به گلزار آمده
قمری به گفتار آمد
آهو به کوهسار آمده
بابا بده نو روزی ام
بابا سلامت میکنم
جان را فدایت میکنم
سر خاک راهت میکنم
بابا بده نو روزی ام
ای مادر نیکو سرشت
جای تو باشد در بهشت
طفلان کنندم سر زنشت
توهم بده نو روزی ام
ای عمه یی جان و تنم
جان را فدایت میکنم
لطفی بکو تاج سرم
امروز ده نو روزی ام

باید گفت که مراسم نوروز در افغانستان مخصوص دری زبانان نیست، بلکه اقوام مختلف در این کشور مقدم نوروز را گرامی می دارند و با برگزاری ویژه یی آن را تجلیل می کنند. کودکان پشتون در شرق کشور نیز مراسم مشابه گل گردانی در شمال کشور دارند. تفاوت در این است که ولایات مشرقی در منطقه گرمسیر واقع است و همیشه بهار می باشد. کودکان این مناطق به طور مثال در ولسوالی قرغه یی ولایت لغمان و رودات ولایت ننگرهار، نخستین خوشه های گندم سبز را در اواخر دلو و یا اوایل حوت پیدا کرده و با همان شیوه مراسم نوروزی خانه به خانه می گردانند و هدیه می گیرند که یکی از این نمونه ها را در این جا ذکر می نمائیم:

نوروزی، نوروزی

خدای دی یو زوی درکی
په اوبو یی لامبوه
په غوریو یی غوره
په زانگو یی زنگوه
په شیدویی مره مره

در ولایت لغمان نیز بچه ها نخستین پُنک یا نودهٔ تازه برگ درخت بید را که به روی شاخچه ها سر می زنند، پیدا کرده و آن را در میان دسته یی از خوشه های گندم سبز گذاشته آن را به خانه های دور و نزدیک می گردانند و نوروزی جمع می کنند و این سروده ها چنین است:

لو نزنین نو بهار
آمده گل ها قطار
پنک زده بید و چنار
هله بی بی زود کو

در ولسوالی خاش ولایت بدخشان عین مراسم اجرا می گردد و این سرود به زبان ازبکی سروده می شود که مطلع آن چنین است:

گل جغزک حوت می یم
قزان تولده سوت می یم

یعنی: گل جغزک در ماه حوت می روید و دیگ ها پر از شیر می شود.

در روز های نوروز و عیدین همچنان مدرسین مدارس در محلات اشعار ویژه یی را به مناسبت هر یک از این عید ها روی اوراق رنگین به خط خوش و زیبا خطاطی نموده آن را به شاگران می دهند و شاگردان این اوراق را به منزل برده و در دیوار خانه آویزان می کنند و در عوض از والدین پول و تحفه مطالبه می کنند و این ابیات دارای چنین محتوا می باشد:

نمونه یی از نو روزی های تخار:

نوروز شد و لاله یی خوش رنگ بر آمد
بلبل به تماشای دف و چنگ بر آمد
مرغان هوا جمع شدند جمله به یک بار
مرغ دل من از قفس تنگ بر آمد

نمونه یی از نوروزی های بدخشان:

نو روز و نو بهاران بر گلرخان مبارک
هنگام عیش و شادی بر کودکان مبارک

نمونه یی از نو روزی های بغلان:

باد نوروزی وزید عالم منور میشود
زینت روی زمین از سبزه یی تر میشود
این غلط فکر است کسی بی خرچ زر ملا شود
خواندن علم پسر از بابت زر میشود

نمونه یی از نو روزی های ولایت کابل:

روز نوروز است عالم سبزه زار
زنگ از دل میبرد باد بهار
ای پدر برخیز نوروزی بده
تا ترا رحمت کند پروردگار

نمونه یی از نو روزی های پنجشیر:

نوروز شد و دلشادم
از قید غم آزادم
یک تنگه بده بابا
عیدانه یی استادم

به بهانهٔ روز جهانی صحت

نیاز مردم افغانستان به عرضهٔ خدمات صحی

استاد عبدالعلی کوهی

از قدیم گفته اند، عقل سلیم در بدن سالم است. در اوایل قرن بیستم در سطح جهان یک نوع نهضت فراگیر در همه عرصه ها در جهان به وجود آمد، که از آن جمله اهتمام به صحت انسان است. این مبارزه در برخی از کشور ها چنان فراگیر گردیده که توجه به صحت انسان جز فرهنگ کشور های پیشرفتهٔ جهان قرار گرفت. طی ده سال اخیر در افغانستان تغییرات چشمگیری در عرصهٔ طبابت صورت گرفته و سهم بزرگی را در این زمینهٔ بخش خصوصی بدوش گرفته است.

دولت به کمک جامعهٔ جهانی توانسته است ظرف سال های اخیر موفقیت های چشمگیری را در زمینهٔ وقایهٔ اطفال، منجمله واکسین و پیشگیری از مرگ و میر اطفال روی دست گیرند. با وجود آن امروز بیشترین وفیات مرگ و میر مادران در افغانستان وجود دارد که رقم درشت در جهان را تشکیل می دهد، کمبود کلینیک های اساسی، فقر مزمن، عدم دسترسی به شفاخانه های مجهز بر این میزان افزوده است. دولت در برخی از زمینه ها موفق نگردیده است، تا خدمات صحی را در کشور سراسری سازد، از جمله: مرض توبرکلوز رقم درشت را در کشور نشان می دهد و سالانه حدود ۵۳ هزار واقعات توبرکلوز در افغانستان بروز می نماید که یک فیصدی بزرگ آنرا زنان تشکیل می دهد و سالانه در حدود ده هزار انسان قربانی این مرض کشنده در کشور می گردد.

به گفتهٔ وزارت صحت عامه در نتیجهٔ سروی در ۱۸ ولایات کشور که از جانب ملل متحد صورت گرفته است به این نتیجه رسیده که هنوز هم امراض خطرناک در ولایات کشور وجود دارد که باید به آن رسیده گی شود. سازمان صحّی جهان، ادارهٔ انکشافی بین المللی، از وجود امراض مزمن و ساری در کشور خبر می دهد که رقم درشت را در سطح جهان می سازد. فراگیر بودن این امراض در کشور به عوامل چندی بر می گردد؛ که مبارزه با آن در توان یک و یا چند وزارت نمی باشد.

جنگ، خشونت و ناملایمات سیاسی موجب گردیده است که دولت به کمک جامعهٔ جهانی نتواند خدمات صحی را در مناطق دور دست و دشوار گذر کشور تطبیق و عملی سازد. بسیاری از ولایات افغانستان همین اکنون از شفاخانه های مجهز، مدرن، وسایل طبی، پرسونل طبی و نبود دوکتوران متخصص رنج می برد، رسانه ها در سال گذشته به رنگ مثال خبر دادند که در ولایت نورستان نه تنها شفاخانهٔ مجهز وجود ندارد حتی این ولایت از کمبود دوکتوران زن رنج می برد و میزان مرگ و میر و وافیات در میان زنان در هنگام زایمان در این ولایت و سایر ولایات؛ مثل: بدخشان، پکتیا، دایکندی و سایر ولایات وجود دارد که وجدان هر صاحب بصیرت را تکان می دهد؛ در حالی که قانون اساسی دولت را موظف ساخته است تا عرضه خدمات صحی در کشور را سراسری سازد و افراد نیازمند به آن دسترسی پیدا کنند. در ده سال اخیر نقش خدمات صحی از جانب دولت در شهرهای بزرگ در حال فروپاشی است؛ زیرا بیشترین معاینات، عرضهٔ خدمات صحی و عملیات از جانب کلینیک های شخصی صورت می گیرد و کسانی که قادر به پرداخت فیس معین نمی باشند، نمی توانند خود و اعضای خانوادهٔ خود را تداوی نمایند و دولت قادر نیست به درد این متقاضیان برسد و برای آن ها تداوی رایگان را عرضه نماید.

نبود مراکز اساسی در زون های کشور یکی از دشواری های موجود صحی در کشور است و مردم قادر نیستند تا مریضان خود را در وقت معین به مرکز و سایر ولایات انتقال دهند؛ در صورتی که دولت در مرکز و زون های مختلف در بخش سکتور صحی سر مایه گذاری نماید، مردمان بیشتر به آن دسترسی پیدا کرده می توانند. امروز در برخی از ولسوالی هایی افغانستان حتی کمک هایی اولیه وجود ندارد که مردم به آن مراجعه نمایند. گذشته از این افغانستان بلندترین رقم معلولان و معیوبان را در خود جا داده و همه روزه در نتیجهٔ جنگ و ناملایمات سیاسی به این کاروان افزوده می شود و در جنب میلیون ها معلول و معیوب یک رقم درشت دیگر موجودیت افراد مبتلا به مواد مخدر است که رقم آن بالاتر از میلیون در کشور می باشد. رسیدگی به این همه مبتلایان به مواد مخدر از توان وزارت صحت عامه بالاتر می باشد و مبارزه با آن نیاز به یک حرکت سراسری و ملی دارد، ایجاب می کند که یک بودیجهٔ کلان از جانب دولت به کمک جامعهٔ جهانی روی دست گرفته شود تا تعدادی از این مبتلایان به مواد مخدر تداوی گردند، از سوی دیگر ایجاب می کند که در برخی از ولایات و ولسوالی ها مراکز تداوی مبتلایان به مواد مخدر روی دست گرفته شود و این کار هزینه بیشتر و استراتیژی معین ملی و جهانی را مطالبه می نماید.



همه ساله تعدادی از مبتلایان به مواد مخدر از کشور های پاکستان و ایران به داخل افغانستان پرتاب می شوند که خانواده ها را بسیار نگران ساخته است. در مرکز افغانستان و سایر ولایات این کشور محلاتی وجود دارد که در آن مواد مخدر خرید و فروش می گردد و تعدادی از این مبتلایان در زیر پل ها، محلات مخروبه و کنار جاده ها به حالت بسیار وحشتناک و غیر انسانی در انتظار مرگ قرار دارند و روزی نیست که شماری از این مبتلایان را مرگ به کام خود فرو نبرد.

مبارزه با مواد مخدر در حقیقت بازگشت به زنده گی و حیات شهروندی است، کشت مواد مخدر با صحت انسان ها در تضاد می باشد. هر قدر میزان تولید این مواد در کشور بلند برود، به همان تناسب بر صحت این مردم و سایر انسان های روی زمین تاثیرگذار خواهد بود.

روز جهانی صحت در شرایطی در افغانستان تجلیل می گردد که نیمه یی از پیکر مردم این کشور را امراض گوناگون فلج ساخته است. مبارزه با پدیده های منفی، مبارزه در جهت بازگشت به صحت و توانمندی فزیکی مردم ما می باشد. در صورتی که جامعهٔ جهانی در یک هماهنگی با وزارت های ذیربط خدمات خود را عرضه نمایند، نتایج آن بهتر از فعالیت های پراگنده این نهاد ها می باشد. طوری که دیده می شود نهاد های زیادی وجود دارند که در راستای صحت مردم کشور، از جمله: اطفال، زنان، معیوبان و معلولان فعالیت می نمایند، هر قدر در میان این نهاد های بین المللی و وزارت های ذیربط هماهنگی ایجاد گردد، بازدهی آن در جهت صحت و سلامت مردم افغانستان بیشتر خواهد بود.

ز آزاده رسم غلامی مجوی

بر گرفته از یک مثنوی مرزا عبدالغفور یعقوبی

مگو دشمن از کشتن سروران
ترازوی شیاد گردد گران
به این چند سرها که دادیم ز دست
زمین بر نشد آسمان نیست پست
خدا گر زبین داوری میبرد
زمین داور دیگری آورد
بود مادر خاک مرد آفرین
به آزاده گی بر زده آستین
نباشد بحرفم اگر باورت
درین آزمایش بجنبانی سرت
بگو با بدخشانی مردانه کیش
جوانتر ز ربانی آرد به پیش
صدا زن سرِ وادیی پنجشیر
که صد قهرمانت سپارد دلیر
بود نزد تخار و "فرخاریان"
فزونتر ز داوود و از شاه جهان
بخواه از شمالی و پروان ز نو
بمیدان بسی عبدالرحمن ز نو
همینگونه از بلخ تا قندهار
ز غور و "هریواش" تا ننگرهار

کم از رفته گان زنده گان نیستند
بپامردئی خویش اگر ایستند
بیا تا به بینی و باور کنی
بخون پای گردنکشی ترکنی
ندانی چو ننگ خراسانیم
بیا باز تا خوبتر دانیم
من و سنگر و خاره سنگی ستیز
اگر شیشه ئی نازک از من گریز
چنانت بکوبم بضرب نخست
که در بند و پیوند نائی درست
ز آزاده رسم غلامی مجوی
بدام هوس صید عنقا مپوی

*

سردار جهاد

این چهارسر برین که یاران من اند
آزادهٔ آریان چو سرو چمن اند
بس رهبر و قهرمان و سردار جهاد
طی کرده غزا شهید حفظ وطن اند

*

جُنبشِ گهواره

دشمن نشوی غره که کشور باقیست
گرچهار سری برفت و سنگر باقیست
در جنبش گهوارهٔ مردان دیگر
دستانی دوصد هزار مادر باقیست

تجزیهٔ کشورها و منافع بازیگران در آن

فضل الرحمن رحمانی

چگونگی تشکیل و تجزیه کشورها؛

در جهانی که امروز مادر آن بسر می بریم حدود، دوصد و اندی کشور وجود دارد. بحث دولت-کشور به عنوان حاکمیت مستقل ملی برای اولین مرتبه در کنفرانس وستفالی در سال ۱۶۴۸ مطرح گردید که در آن هر ملت حق تعیین سرنوشت خود را یافتند. فلسفهٔ وجودی هرکشوری با توجه به شرایط و اوضاع، زمانی و مکانی آن، متفاوت می باشد. عده ای از کشورها در گسترهٔ تاریخ دارایی حاکمیت های بزرگ و کوچک بوده اند که تحت نام همان کشور به حیات خویش ادامه داده اند، مانند: چین، مصر جاپان، ایران و فرانسه که دارایی قدامت تاریخی می باشند.

گروهی بزرگ از کشورها را، کشورهای استقلال یافته از امپراطوری های استعماری تشکیل می دهد. چون ایالات متحدهٔ آمریکا، پاکستان، هندوستان و افغانستان در ذیل این گروه قرار می گیرند.

گروهی از کشورها در نتیجهٔ فروپاشی یک قدرت چند ملیتی به وجود آمده اند. مانند: کشورهای جدا شده از شوروی سابق چون تاجیکستان، ازبیکستان، ترکمنستان و کشورهای جدا شده از یوگسلاوی سابق چون کوزو، بوسنی و هرزگوینا و صربستان در این جمع قرار می گیرند.

گروهی از کشورهایی در نتیجهٔ اتحاد دو یا چند کشور به وجود می آید، چون جمهوری متحدهٔ عربی که متشکل از کشورهای مصر، سوریه و یمن بود و جمهوری فدرال آلمان که در سال ۱۹۹۱م در نتیجهٔ اتحاد دو آلمان تشکیل گردید.

عوامل تشکیل کشورها

در تشکیل کشورها عوامل مختلف و بازیگران متفاوت، نقش دارند. در تشکیل گروهی از کشورها عامل تاریخی نقش کلیدی ایفا نموده است، طوری که گروه های مختلف قومی، نژادی و مذهبی یک کشور در طول تاریخ در کنار هم به صورت مسالمت آمیز زیسته اند و با دشمن مشترک مبارزه نموده اند. همین باهم زیستن و همسنگر بودن مشترکات فراوانی را میان آنها ایجاد نموده است که در تشکیل و تداوم حیات آنکشور نقش تعیین کننده داشته است. کشورهای چون مصر، فرانسه، چین، ایران، جاپان و افغانستان در ذیل کشورهای قرار می گیرند که عامل تاریخی در ایجاد آنها عامل تعیین کننده بوده است.

عامل وجودی، گروهی از کشورها را مسایل عینی چون قوم، نژاد، زبان و مذهب تشکیل می دهد. کشورهای جداشده از اتحاد جماهیر شوروی سابق، اساساً بر این مبنا تشکیل یافته اند مانند: آذربایجان، تاجیکستان و ازبیکستان، پاکستان و سودان جنوبی در جمع کشورهای قرارمی گیرند که مبنای ایجاد آنها را مذهب تشکیل می دهد.

ایدئولوژی نیز گاهاً در تشکیل کشورها تعیین کننده می باشد، مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق که برمبنای تفکر مارکسیستی-لینینستی تشکیل یافته بود، و همچنین تشکیل جمهوری متحدهٔ عرب نیز در راستای تفکر پان عربیسم جمال عبدالناصر تشکیل گردیده بود.



زمانی که تاریخ افغانستان ورق می خورد مبین شجاعت و دلیری یک قوم و یا نژاد نمی باشد، بلکه همه اقوام در آن سهم مساویانه دارند و همیشه از اتحاد اقوام مختلف این مرزبوم در رویارویی با دشمن مشترک سخن گفته شده است که زبان زد عام و خاص می باشد. همیشه از ویژگی هایی مشترک که میان همه ای اقوام آن وجود دارد بیان گردیده است.

نقش بازیگران بین المللی در تشکیل کشورها نیز موثر بوده است، مانند نقشی که دو قطب شرق (شوروی سابق) و غرب (ایالات متحدهٔ آمریکا) در تشکیل دوکشور کوریا، دو کشور یمن، دو کشور آلمان و...... ایفا نمودند.

بازیگران داخلی نیز در تشکیل و یا تجزیهٔ یک کشور عامل تعیین کننده می باشند. در واقع این بازیگران داخلی در یک کشور می باشند که زمینهٔ مداخلهٔ خارجی را مساعد می کنند. نقش مسلمانان بوسنی و هرزگوین در تشکیل آن کشور و همچنین نقش آلبانیائی تبارهای کوزو در تشکیل کشور کوزو. در هردو مورد فوق بازیگران داخلی نقش کلیدی ایفا نمودند که با مداخله و فشار خارجی موفق به ایجاد کشورهای مستقل گردیدند.

عوامل تجزیهٔ کشورها

همانطوری که در مورد تشکیل کشورها عنوان گردید که در نتیجه چه عواملی تشکیل می یابند. تجزیهٔ کشورها نیز متأثر از عواملی می باشد، که باعث تجزیه و انقسام آن کشور می گردد.

عوامل عینی، چون قوم، نژاد، زبان و مذهب متفاوت در یک کشور باعث تجزیهٔ یک کشور می گردد. هرچند امروزه هیچ کشور تک قومیتی و نژادی، وجود ندارد، اما هستند کشورهای که برمبنای مذهب تشکیل یافته باشند مانند، پاکستان و یا کشورهای زیادی در جهان وجود دارد که مبنای تشکیل آنها را زبان واحد تشکیل می دهد. تفاوت های قومی، نژادی، زبانی و مذهبی در هر کشوری وجود داشته و اساساً عامل بی ثباتی نمی باشند. برعکس نشان دهندهٔ فرهنگ تساهل و کثرتگرائی می باشد، اما در صورتی که هریک از گروه های فوق بقای وجود خویش را در معرض خطر ببینند و یا احساس حقارت کنند در نتیجه تبعیض و یا جدائی و پیوستن به یک کشور دیگر را همسو با منافع خویش ببینند، اینجاست که جدائی طلبی را نه تنها از نظر خویش نامشروع نمی پندارند که عین حق طلبی تلقی نموده و برای تحقق آن از هیچگونه اقدام دریغ نمی ورزند.

عوامل خارجی: معمولاً زمانی کشورهای خارجی در تجزیهٔ یک کشور اقدام می نمایند که این انقسام منتج به تامین منافع آنها گردد. مثلاً نقشی را که غرب با محوریت اسرائیل در تجزیهٔ سودان ایفاء نمودند. در ادامهٔ سیاست، نفوذ اسرائیل در قلب قارهٔ سیاه نهفته می باشد. و یا نقشی را که دو قطب در تقسیم دو آلمان داشتند نیز هرکدام آنرا در جهت منافع خویش تلقی می نمود. غربی ها از این جهت که این رخداد حد اقل از نفوذ کمونیسم در حیات خلوتشان جلوگیری می کند، خُرسند بودند. و برای شوروی نیز بنابر حساسیت که موضوع آلمان برای غرب داشت، این جدائی می توانست از رویارویی در نتیجهٔ یک اقدام ناگهانی جلوگیری کند، منفعت بخش بود.

اما در افغانستان:

افغانستان کشوریست تاریخی و به روایت اکثر مورخان، تاریخ آن به پنج هزار سال قبل از تاریخ می رسد. اولین نام این کشور آریانا بوده که بعداً به خراسان و در زمان احمد شاه درانی به افغانستان تبدیل گردیده است. این کشور در بستر تاریخی خویش زادگاه اقوام مختلف بوده است و از همان آوان قدیم اقوام متفاوت درآن به صورت مسالمت آمیز زیست می نموده است که آثار و علایم باستانی مصداق بر این مدعا می باشد.

زمانی که تاریخ افغانستان ورق می خورد مبین شجاعت و دلیری یک قوم و یا نژاد نمی باشد، بلکه همه اقوام در آن سهم مساویانه دارند و همیشه از اتحاد اقوام مختلف این مرزبوم در رویارویی با دشمن مشترک سخن گفته شده است که زبان زد عام و خاص می باشد. همیشه از ویژگی های مشترک که میان همه ای اقوام آن وجود دارد بیان گردیده است.

سوال اینجاست که چه عوامل باعث گردیده است،که بازیگران داخلی کوچکترین تمایل به مسئلهٔ تجزیه نداشته باشند. هرچند بعضی از احزاب و تشکل ها اساسنامهٔ خویش را غرض ایجاد نظام فدرالی غیر متمرکز در این کشور ترتیب نموده اند. اما این احزاب همیشه بحث تجزیه را رد نموده، و به انتقاد کسانی که آنها را متهم به تجزیه می کنند، معترض گردیده اند. تاهنوز هیچ یک از کسانی که گویا تمایل به تجزیه دارند و یا اگر چنین روند پیش آید از پیشگامان این فرایند خواهند بود. صراحتاً اعلام ننموده اند و حتی طبق گزارشی که احمد رشید نویسندهٔ پاکستانی ارایه نموده است، گروه های مخالف طالب در بدترین حالت حاضر به بحث روی موضوع تجزیه افغانستان نگردیده اند. و بعد از سقوط طالبان نیز به نقل از مارشال فهیم، وی که در نشست با ولادمیر پوتین رئیس جمهور سابق روسیه داشته، در بحث تجزیه گفته است که: « من مشت آب که در مقابل ام روی میز قرارداشت برداشتم و به وی (پوتین) نشان دادم که حاضر نیستم این اندازه خاک از افغانستان کم گردد» و از سوی دیگر سایر گروه های قومی و مذهبی در افغانستان نیز تا اکنون صراحتاً موضع خویش را در این مورد اعلام نکرده اند. اما عملکرد این گروه ها همیشه و حتی در بدترین شرایط نشان داده است که مخالف تجزیه می باشند.

سرنوشت بودجه ای سال۱۳۹۱ در دست...

اساساً بودجه باید بر اساس اولویت های ملی و تقسیم ولایات به درجه اول،دوم و سوم ترتیب گردد و به ولایت درجه دوم و سوم که کمتر توسعه یافته اند، بودجهٔ بیشتری اختصاص داده شود تا اصل انکشاف متوازن که در قانون اساسی بیان شده است در نظر گرفته شود.

اما متاسفانه هم حکومت افغانستان هم برخی از نمایندگان بدون درنظر داشت اصل در نظرگرفتن توسعه ای متوازن به ولایات هایی در جه اول، بودجه ای بیشتر اختصاص می دهند.

قابل یادآوری است که بودجهٔ انکشافی سال ۱۳۹۱ به تاریخ هفت ماه حوت سال ۱۳۹۰ از سوی وزات مالیه به مجلس ارسال گردید ه بود که نسبت عدم توازن و تبعیض به تاریخ ۲۸ ماه حوت سال ۱۳۹۰ رد گردید. نمایندگان انتظار داشتند که با تعدیلات چشمگیر این بودجه به تصویب برسد. چیزی که با گذشت ۲۰ روز از سال جدید تا هنوز نهایی نشده است.

در همین حال مجلس نمایندگان مقامات وزرات تحصیلات عالی و معارف را غرض پاسخگویی به نتایج اعلام شده ای کانکور و یافتن راه حل های که بتواند آمار بی نتیجه ها را به حد اقل برساند فراخواند.

در تازه ترین آمادگی ها از سوی تحصیلات عالی گفته شده است که در جذب شماری زیادی از دختران که نمره های معیاری را گرفته اند، اما بی نتیجه اعلان شدند همکاری خواهند کرد.

این آمادگی ها پس از آن اعلام شد که یک دختر در ولایت غزنی پس ازآن که دانست در کنکور بی نتیجه مانده است خود را آتش زد.

وزارت معارف نیز گفته است که بیش از ۶۰ هزار شاگرد بی نتیجه را در نهاد های آموزشی جذب می نماید.

نتایج کنکور امسال واقعاً از هر لحاظ برای اشتراک کنندگان، دوستان و در کل برای مردم افغانستان تکان دهنده بود. نگاه تبعیض آمیز در برخی از مکاتیب کابل و ولایات در نتایج این آزمون عمومی به چشم می خورد.

تنها از یک لیسه ای شهر کابل که حدود پنجصد شاگرد دارد، سه صد تن آنان به تحصیلات عالی راه یافته اند.

ایران تر نړیوال فشار لاندې

ن – شفیق

د ایـران د اتـومي انـرژۍ پـه سـر د لویـدیځې نـړۍ او ایـران ترمینځـه را پیداشوی کړکیچ اوس پـه ډیـر نـازك پړاوو کـې داخـل شـوی دی؛ کـه څـه هـم د ایـران هیـواد تـل ددې پخلـی کـوي چـې د اتـومي انـرژۍ پـلان یـې د پرامنـه مقاصـدو لپـاره دی او نـه غـواړي چـې د خپلـو یورانیمـو او پلوتینیمـو د غنـي کولـو لـه لیـارې اتـومي طاقـت وګرځـي خـو لویدیځـه نـړۍ بیـا د ایـران پـدې سـپیناوي بـاور نلـري او دا ویـره لـري چـې د ایـران یورانیم تـر هغـه بریـده غنی نـشي چـې د اتـومي وسـلو لپـاره ورڅخـه کـار اخستل کیږي.

د ملګـرو ملتونـو «د اتـومي انـرژۍ آژانـس» د پخـواني مـسوول «البرادعـی» لـه وخـت راهیـسې وخـت ناوختـه د ایـران او لویـدیځې نـړۍ ترمینځـه پـدې مـسئله بانـدې څـو ځلـې مـذاکرات ترسـره شـوي دي خـو هـر ځـل د کامیـابۍ پـړاوو تـه نـه رسـیږي. چـې لاملـه یـې د ملګـرو ملتونـو د منـشور د شـپږم فـصل د ګواښـونو لـه مخـې دا مهـاله ایـران د هراړخیـزې کلابنـدۍ سـره مـخ هـم دی او د اتـومي انـرژۍ پـه سـر رامینځتـه شـوي دغـه کړکیچ هغـه مهـال جـدي بڼـه غـوره کـړه چـې کلـه د «مـدعی سـست ګـواه چـست» د متـل سـره سـم پـه منځنـي ختیـځ کـې د نـا امنـۍ لامـل یهـودي تـاتوبي د اسـرائیلو هیـواد پـه ایـران سـترګی سـرې کـړې چـې د ایـران اتـومي تاسیـسات بـه لـه مینځـه یوسـي او دوی بـه ایـران د اتـومي وسـلې لرونکـي هیـواد ګرځیـدو تـه پرېنـږدي. د اسـرائیلو دا ګـواښ پداسـې حـال کـې د اتـومي انـرژۍ لاسـته راوړلـو اراده لرونکـي هیـواد ایـران تـه متوجـه کیـږي چـې پخپلـه اسـرائیل لـه دوه سـوو څخـه زیـاتې اتـومي سـرګلولۍ لـري، هغـه هیـواد چـې وجـود یـې پـه منځنـي ختیـځ کـې د بـې ثبـاتۍ او تلپـاتې نـا امنـۍ بنیـادي لامـل دی خـو د امریکـا او اسـرائیلو استراتیژیکه دوسـتۍ ددې لامـل ګرځـي چـې هـر ځـل د فلـسطین د مـسلمانانو پـر حقوقـو پـښې کیـږدي او ددې پـر ځـای چـې د فلـسطین د مظلـوم ولـس لـه ګټـو او د هغـوی د خپلـواکۍ لـه حق څخـه دفـاع وکـړي همیـش د امنیـت پـه شـورا کـې د فلـسطینیانو پـه حـق کـې وړانـدې کیـدونکې پریکـړه لیکونـه ویټـو کـوي او د نړیوالـو بـاور پـر خپـل ځـان بانـدې نـور هـم کمـوي او نـه نړیوالـ پـدې بـاور لـري چـې تـر دا مهالـه د اتـومي ځواکونـو لرونکـې هیوادونـه بـه خپلـې اتـومي وسـلې ختمـې یـا کمـې کـړي هغـه



کـار چـې د نـړۍ اتـومي ځـواك لرونکـې هیوادونـه یـې د نـورو هیوادونـو پـه اتـومي ځـواك بدلیـدو کـې د مخنیـوی لپـاره حیلـه کـاروي او خپلـو ځـانونو تـه یـې پداسـې حـال کـې دا حـق ورکـړی چـې نـور ورڅخـه منـع کـوي.

او پـدې لـړ کـې د نـړدې دریـو کلونـو راهیـسې د ایـران او پنځـه جمـع یـو هیوادونـو څـو ځلـي مـذاکرات د ناکـامۍ سـره مـخ شـو او ددې تـر څنګـه د سـوریې د واکمـن رژیـم پـر خـلاف د ولـسي پراخـه پـاڅون پـه حقانیـت بانـدې د ایـران لخـوا سـترګې پټولـو او د پـردې ترشـا د بـشارالاسد د مـستبد رژیـم څخـه د ایـران ملاتـړ نړیوالـه ټولنـه دې تـه اړ کـړه چـې دا ځـل پـه پراخـه کچـه پـه ایـران بانـدې محاصـره نـوره هـم تنګـه کـړي چـې پـه نتیجـه کـې د لویـدیځو هیوادونـو لـه لـوري د ایـران لخـوا پـه پلـورل کیـدونکو تیلـو بانـدې پابنـدي اعـلان شـوه او د هندوسـتان او چـین پرتـه نـورې نـړۍ ورتـه مثبـت ځـواب هـم ووایـه. نـو ایـران هـم لـه یـوې خـوا امریکـې تـه دغـه دړکـه وکـړه چـې د هرمـز تنګـی بـه د امریکـایي بیـړیو پـه وړانـدې وتـړي (کـه څـه هـم هغـسې یـې ونکـړای شـو او لـه دړکـې وروسـته اوس هـم امریکـایي بیـړۍ ددې تنګـي لـه لیـارې تیریـږي) او لـه بلـې خـوا ایرانـي چـارواکو پـه سـیمه کـې د خپلـو دوسـتو هیوادونـو سـره اړیکـې نـورې هـم ټینګـې کـړې او د نـړۍ د نفتـي مـوادو پـه تولیـدولو کـې یـوه غټـه برخـه لرونکـي ایـران د خپلـو هغـو تیلـو لپـاره د بـدیل بـازار پـه لټـه کـې شـو چـې لویدیځـه نـړۍ یـې ورڅخـه اخلـي.

د جنـوبي کوریـا پـه پایتخـت «سـیول» کـې د درې ورځنـۍ هیوادونـو پـه ګـډون د اتـومي وسـلو د مخنیـوی پـه کنفـرانس کـې د امریکـا ولسمـشر اوبامـا دا ځـل ډیـرې جـدي خبـرې وکـړې او د اتـومي وسـلو لرونکـو هیوادونـو څخـه یـې د اتـومي وسـلو پـه کمولـو کـې د جـدیت غوښـتنه وکـړه او ایـران تـه یـې سـخت اخطـار ورکـړ چـې نـور ایـران تـه د تیښـتې هـیڅ لیـار پـاتې نـده. پـه سـیول کـې د اوبامـا دغـه څرګنـدونې داسـې مهـال رامینځتـه کیـږي چـې پـدې وروسـتیو ورځـو کـې د روسـیې اسـتخباراتو او د دفـاع وزارت لخـوا د اسـرائیلو د هغـه پـلان څخـه پـرده پورتـه شـوه چـې لـه مخـې یـې اسـرائیل د ایـران د اتـومي انـرژۍ د تاسیـساتو پـه شـمول شـپږ نقطـې د خپـل تارګـټ لانـدې نیـولي دي چـې پـه حقیقـت کـې داسـې اعـلان څـو تفـسیره لـرلای شـي؛ لـه یـوې خـوا امکـان لـري چـې پـه ریښتیـا هـم روسـیه کـولای شـي د اسـرائیلو دغـه پـلان پخپلـه کشـف کـړی اوسـي او دا هـم امکـان لـري چـې د اسـرائیلو اسـتخباراتو د ایـران د ویرولـو لپـاره دغـه اعـلان د روانـي فـشار پـه توګـه د یـو داسـې مرجـع (روسـې) لـه لیـارې رسـولی وي چـې ایـران تـه د بـاور وړ هـم ده او یـا د روسـیې لخـوا د اعـلان نوښـت پـدې موخـه وي څـو امریکـا تـه خبـر ورکـړي چـې مـونږ ستاسـو پـه عزایمـو بانـدې پـوه یـو چـې پـه عـین وخـت کـې د اعـلان شـوي جګـړې د تکتیکونـو لـه مخـې ډیـر ځلـې داسـې اعلانـول پـه حقیقـت کـې د اغفـال لپـاره وي او کـه چیـرې اسـرائیل پـه ریښتینـي توګـه پـه ایـران د حملـې جـرات کـوي نـو پـدې اعـلان کولـو سـره روسـیه غـواړي چـې د اسـرائیلو پـلان لـه ډیـل (وخـت پیـدا کـونې) سـره مـخ کـړي. خـو هغـه څـه چـې د یـادونې وړ دي هغـه دادي چـې د ایـران پـر خـلاف د اسـرائیلو داسـې قـدم اوچتـول چـې ترشـایې امریکـا ولاړه ده هیڅکلـه بـې ځوابـه نـشي پـاتې کیـدای، کـه څـه هـم بنـایي پـه سـره جګـړه کـې د ایـران پلویـان خپـل ځانونـه پـه جګـړه کـې د لتـاړولو څخـه پـه لـومړي سـر کـې وسـاتي مګـر وروسـته بـې تفاوتـه نـشي پـاتې کیـدای.

همدارنګـه د ایـران پاسـداران او پـوځي ځـواك لـه یـوې خـوا دومـره پیـاوړی دی چـې اسـرائیلو تـه هـم ډیـر زیـان اړولـی شـي او کیـدای شـي د منځنـی ختیـځ ډیـرو هیوادونـو تـه ایـران دغـه جګـړه وغـزوي او د ایـران لیـرې واټـن ویـشتونکې توغنـدي پخپلـه اسـرائیلو او د امریکـا پـه شـمول د هغـې پلـوي هیوادونـو تـه پراخـه زیـان واړوي چـې د تاجیکـستان پـه دوشـنبه کـې د سـیمه ایـزې همکـارۍ پـه پنځـم کنفـرانس کـې د ایرانـي ولسمـشر پـه افغـانی واکمـن حامـد کـرزي بانـدې لفظـی بریـد هـم ددې لـړۍ یـوه کـړۍ وه او هـم د دوشـنبې پـه کنفـرانس کـې د ایـران فعـال حـضور د سـیمې پـه کچـه د همکـارۍ یـوه هڅـه وه چـې د سـیمې ټـول هیوادونـه ورتـه پـه عامـه توګـه او افغانـستان او ایـران هـر یـو ورتـه پـه خاصـه توګـه لـه یـل هـر وخـت څخـه ډیـره اړتیـا لـري.

زنگ مکتب به صدا آمد، اما زنگ خطر ناشنیده ماند!

پوهنمل محمد نسیم فقیری

امسال نیز مانند سال های دیگر، زنگ مکتب ها به صدا آمد و همه دختران و پسران افغان که شامل مکاتب اند و یا به صورت جدید الشمول، روانهٔ مکتب ها شدند... این هم یک خبر بسیار خوش برای هموطنان است که وزارت معارف با تلاش و پیگیری جدی، دنبال وضع تعلیمی را گرفته و از همه امکانات در این جهت، استفاده می نماید. تلاش شده تا مکاتبی که در مناطق نا امن، بسته شده، به کمک مردم و اهالی، دوباره باز گردد و فرزندان این کشور از نعمت سواد بی بهره نمانند!

وضع معارف از چند ناحیه و در مقایسه با خدمات دیگر، دارای مشکلات و پیچیدگی هایی است:

وضع معلمین:

گرچه نگارنده هم معلم و فرزند یک معلم است، اما در کشور ما شغل معلمی همواره یک انتخاب نبوده و به بسیار مشکل می توان افرادی را یافت که داوطلبانه این شغل را پسندیده و یا انتخاب کرده اند! همه می دانیم که هنوز در کشورما، به تعداد کافی معلم وجود ندارد و مکاتبی داریم که تدریس به صورت درست در آن صورت نمی گیرد و یا اسماً مکتب است و بس!

در زمان فراغت از صنوف دوازدهم و انتخاب رشته در امتحان کانکور، شاید تعداد بسیار کمی، فاکولته هایی را انتخاب نمایند که شغل آن معلمی است! اکثر جوانان فاکولته های طب و یا انجنیری را می پسندند و گمان دارند که حیات اقتصادی شان با وارد و اتمام این فاکولته ها و اشتغال به امر طب و انجنیری، بهبود می یابد! تعداد دیگری از داوطلبان کانکور، بنابر دریافت نمرات کم، به جبر به فاکولته های ادبیات و ساینس فرستاده می شوند که بازهم، شغل معلمی انتخاب شان نبوده و به جبر و اکراه معلم شده اند! این از واقعیت های دردآور کشورما و کشورهای همسان است که وضع تعلیمی را با دشواری ها و پریشانی ها مواجه ساخته است! درست است که وزارت معارف در قسمت بهبود وضع معلمین و بلند بردن معاشات آن ها و یا توزیع نمرات جهت اعمار منازل مسکونی کارهایی کرده اما وضع پریشان معلمین، همچنان به حال خود باقی است!

مکاتب خصوصی:

گرچه اکثر افراد، اوج تشبثات خصوصی و فعالیت های تعلیمی و درمانی را دریـن دوران، یکی از خوبی ها و مزایای دموکراسی می دانند، ولی خصوصی سازی بخش معارف و درمان، دارای مشکلات زیادی نیز است:

– مکاتب خصوصی و کلینیک های درمانی خصوصی، همه تلاش دارند تا معلمین با فهم و با تجربه و داکتران ورزیده را استخدام نمایند و این یکی از ویژگی ها و خصوصیات بارز این مکاتب و کلینیک ها است!

پس استادان و داکتران لایق، جذب این مکاتب و کلینیک ها شده و در مکاتب و کلینیک هایی دولتی، جا نمی یابند و یا به صورت نیمه وقت و اکثر غیر حاضر، اجرای وظیفه می کنند!

– افراد نادار نمی توانند که شامل این مکاتب گردند و بیماران نادار نیز از تداوی در کلینیک ها و یا شفاخانه های خصوصی، محروم اند، پس وضع کشورما با این تعداد بزرگ مردم نادار چه خواهد شد؟

– در افغانستان و در دوران حکومات قبلی، تعداد زیادی از صدراعظم ها و وزراً افرادی بودند که متعلق به خانواده های نادار بودند و در مورد فهم و دانش افراد مذکور، تا حدود زیاد اطلاعات مثبتی وجود دارد و همهٔ این افراد از مکاتب دولتی و داشتن معلمین آگاه و با فهم، فارغ شده و می توان گفت که سرمایه های این کشور بودند، پس کشورما در اینده افرادی از همان نسل نخواهند داشت و میوندوال ها و موسی شفیق هایی نخواهیم داشت! پس چگونه می توان، میان وجود مکاتب خصوصی و کلینیک های خصوصی و همچنین مردم نادار و ناتوان کشور، توازنی را به میان آورد؟

چگونه می توان هم به مکاتب و کلینیک های خصوصی اجازهٔ حضور داد و در کنار آن مکاتب و کلینیک های دولتی را با داشتن معلمین و داکتران ورزیده، مجهز ساخت؟

این زنگ خطر، به صورت جدی به صدا درآمده و باید مسؤولین امور، این صدا ها را بشنوند و درپی چارهٔ کار باشند تا امروز و فردای کشورما از داشتن معلمین و داکتران لایق، بی بهره نباشد و فردای کشور ما نباید افراد لایق و ورزیده را از دست بدهد و همه باید در امر اصلاح و نجات کشور و بهبود امور آن کوشا باشیم و هم دولت و هم احزاب سیاسی و بخش های خصوصی همه با هم برای اصلاح امور بکوشیم و فقط انتقاد کافی و کارساز نیست و نباید فقط و فقط انتقاد نماییم و راه اصلاح را نشان ندهیم.

وضعیت امنیتی افغانستان و مساعدت ها...

در این نشست حضور داشت، گفت: «توقعات ما باید خیلی ها مشخص باشد از همین حالا بحثی که می کنیم در مورد توقعات است تا مشخص شود که انتظارات حکومت افغانستان چی است، توقعاتی که بالاخره قابل قناعت جامعهٔ جهانی باشد تا اینکه آنها هم قبل از قبل آمادگی های خود را داشته باشند. واضح باشد که چی توقعات داریم و همچنان آنها از ما چی توقعات دارند.»

نمایندهٔ خاص جاپان برای افغانستان و پاکستان آقای تادامیچی یاماماتو که در نشست روز یکشنبه در کابل حضور داشت، تاکید بر این داشت تا نیازمندی های افغانستان باید قبل از کنفرانس توکیو روشن و واضح باشد. وی گفت: «ما مشترکاً کار می نماییم تا برای کنفرانس توکیو آمادگی بگیریم در کنفرانس توکیو روی رشد و پیشرفت های اقتصادی افغانستان بحث خواهد شد. ما امیدوار هستیم که برای پیشرفت افغانستان یک تهداب بنیادی اعمار نماییم. ما باید روشن بسازیم که در کدام بخش در افغانستان کمک نماییم در این عرصه ما صحبت های مهم خواهیم داشت.»

در طول یک دههٔ اخیر کنفرانس ها و نشست های متعددی در کابل و کشورهای دیگر به خاطر کمک در عرصه های مختلف مورد نیاز کشور، راه اندازی شده و تعهد های هم از جانب کشورها و موسسات کمک دهنده صورت گرفته است که قابل قدردانی است. اما کمک دهندگانی هم اند که در کنفرانس های مهم، تعهد می نمایند اما در پرداخت، مساعدت ها کم توجهی می نمایند و به تعهدشان وفا نمی کنند. که برنامه های دولت را نیز به چالش می کشد.

فشاری هم که از سوی کشورها و موسسات کمک دهنده، در طول سال های اخیر متوجه دولت افغانستان بوده، همانا حیف و میل این کمک ها در افغانستان است اما حکومت افغانستان خارجی ها را متهم می کند که در فساد دخیل اند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ دوم ۱۹ حمل ۱۳۹۱ ۱۵ جمادی الاول ۱۴۳۳ - 7 April 2012

کانکورونه او نارضایتي

شفیق



سږ کال یو ځل بیا د کانکور نتایجو په ډاګه کړه چې په نتایجو کې په ډیر لوی لاس لاسوهنې شوې دي او حق خپل حقدار ته نه دی رسیدلی.

د تیر کال د کانکور د بدو نتایجو په رڼا کې اټکل کیده چې د لوړو زده کړو د پخواني وزیر په عقل سرته راغلی وي او د نوي کانکور د شفافیت په لړ کې به یې لازم گامونه اوچت کړي اوسي خو لکه چې مو په تیرو کانکورونو کې د درغلی مثالونه لیدلي وو، دا ځل لاد سره د کانکور پروسه له درغلیو ډکه وه؛ څکه دا ځل د ځوابونو فورم کې د زده کوونکو عکسونه او نومونه هم چاپي راغلی وو چې د واسطه لرونکو افرادو د پارچې سره د کومك کولو ښه ذریعه وه او د نتایجو له مخې په ډاګه شوه چې یو ځل بیا د کانکورونو مافیا هغه څه وکړه چې ولس یې نور د ولسي پاڅون په لوري روان کړی دی، سږ کال ما پخپله د کانکور پروسه له نږدې څخه د یو لیکوال او ژورنالست په توګه وځارله او راته په ډاګه شوه چې نور واکمن نظام او ددې نظام اداري د هیواد د اداره کولو او د علمی او ملی پروسو د پلي کولو وړتیا نلري. د کانکور څخه وروسته مې د څو تنو لایقو او په خپلو لیسو کې له اول نمره زده کوونکو څخه د سوالونو په هکله پوښتنه وکړه، هر یوه راته وویل چې د سوالونو یوه څه برخه داسې سوالونه وو چې د پوهنتون استادان پرې هم نه پوهیده چې دا پخپله د درغلی په لور یوه تګلاره ده څکه هغه سوالونه چې لایقه او اول نمره ګان زده کوونکی (قارغان) او استادان یې په حل نه پوهیږي د هغو د کیلي ګانو له مخې کیداې شي د ملحوظ نظرو فارغانو په پارچو کې حل کړاې شي او د نورو زده کوونکو د نمرو فیصدي بیا هماغسي ښکته پاتې شي چې د ننګرهار ولایت په کانکور کې دغه بیلګه په ډاګه موجوده وه. او له همدې امله راته لس تنو اول نمره ګانو فارغانو له خپلو نتایجو څخه تردې بریده ناخوښي وښوده چې الله مکره د زده سکته ورته پیدا نشي لکه چې دا حالت د هیواد یوې مظلومې ځواني ته پیښ شو او له درغلی څخه د ډك کانکور په نتیجه کې یې خان وواژه.

اوس پوښتنه داده چې ددې ځواني انجلی او ددې په څیر نورو په زرګونو مظلوم واقع شوو ځوانانو ته د وړپیښ شوي رواني حالتونو مسوولیت د چا په غاړه دی چې نور خو به یې پریږدو خو هغه چې شپږ کلونه او ځینې له لومړي ټولګی څخه تر دولسم ټولګی پورې د خپلو ټولګیو ډیرې اول نمره زده کوونکي یو هم د خپلې خوښې پوهنځیو ته او یا هم له سره ندي بریالی شوی او ډیر داسې د کانکور نابغه ګان (؟) چې د شپږو کلونو (ثانوي دوری) یا د ولسو کلونو په دوران کې یې نتیجه صفر وه او دلته یې بخت ځلیدلی دی؟! خامخا د کاسې لاندې نیم کاسه شته دی او هغه دا چې پدې کانکورونو هم د مافیایی کړیو ولکه حاکمه ده او دا کانکورونه نشي کولاې چې د هیواد لایقو او زحمت کښونکو زده کوونکو ته د هغوی حق ورکړي، د څو کلونو راهیسې دغو کانکورونو په ډاګه کړه چې هر ځل پکې د ډیرو لوړو نمرو لرونکي بې نتیجې راځي او یا ډیر لایقه زده کوونکي ښې نمرې لاسته نشي راوړلاې نو پکار ده چې ددې کانکور پر ځاې په بل سیستم فکر وشي او د لوړو زده کړو د وزارت دننه په داخلي اداره کې جذري بدلون راوستلاې شي او د هیواد هغه با دیانته او پوهـ خلك دې دندې ته وګمارل شي چې هیوادوالو یې په پاك نفسو او با دیانتو خلکو پیژني، خو له بده مرغه (چې ورانه ده نو له خانه ده!) نو پکار ده چې دولتي مسوولین او ولسمشر نور ددې موضوع نزاکت درك کړي او دغه نتیجه غور وکړی او پر ځاې یې هماغه د شپږو کلونو (ثانوی دورې) او یا دولسو کلونو سلنه (فیصدي) په نظر کې ونیولاې شي او د هماغې په رڼا کې زده کوونکی پوهنځیو ته ونیول شي؛ څکه د دولسو یا شپږو کلونو د دوران ازموینو کې (چې هر مضمون پکې ځانګړې استاد لري) د درغلی چانس د یو ځل حشري کانکور له درغلیو څخه ډیر کم اوسي، لکه چې دا اوس یې ولس د سر په سترګو ګوري چې په کانکورونو کې د یو زده کوونکي د ذهانت او لیاقت ازموینه نه اخستل کیږي بلکې د هغه د چل ول، چالاکی، نقل وهنې، بې قانونی او زورواکی کې د مهارت ازموینه اخستل کیږي؛ څکه پدې کانکورونو کې هر زده کوونکی د موبایلونو، واسطو او د ملګرو له ځانونو سره د راوستلو او ان تردې چې د زور په ښودلو سره خپل بخت ازمایې نو لهذا دغه کانکورونه د ذهانت او لیاقت ازموینې نه دي؛ بلکې د چل ول، نقل وهلو د مهارت، واسطو لرلو او زور کارولو ازموینې دي چې د یو زده کوونکي پر ځاې یې ورسره خپل خپلوان یا کورنی هم دې ازموینه کې شریکې دي او ښکاره خبره ده چې دا کار نالایقه زده کوونکي د لایقو زده کوونکو په پرتله ښه کولاې شي څکه لایقه او ذهین زده کوونکي معمولاً د آرام طبیعت او حیاء خاوندان اوسي، نقل ورته ناروا او نا سم کار ښکاري چې لامله یې دوی پاتې او له دوی څخه په ټولګیو کې نا لایقه او نمرو کې وروسته هلکان او انجونی ښې نتیجې لاسته راوړي.

در قانون انتخابات تعدیل می آید

مصباح شعیب

طوری که به همه شهروندان کشور واضح است، انتخابات در طول یک دهۀ اخیر در کشور به چالش ها و تنش هایی روبرو بوده، و تا اندازۀ این تنش ها پیش رفت که تعداد زیادی از هموطنان ما را نسبت به انتخابات و رأیدهی بی باور ساخت. سرانجام وزارت عدلیه از کمیسیون مستقل انتخابات خواست تا با تجربۀ که از انتخابات های گذشته کسب نموده اند، روی تعدیل قانون انتخابات کار نمایند.

به همین منظور به تاریخ ۱۵ حمل سال جاری، کمیسیون امور تقنینی به ریاست نذیراحمد حنفی و با اشتراک حبیب الله غالب وزیرعدلیه و فضل احمد معنوی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات، در رابطه به چگونگی تعدیل و تصویب و طی مراحل طرح قانون انتخابات بحث و تبادل نظر نمودند. وزیرعدلیه در مورد روند ارسال قانون کنونی انتخابات و نحوۀ اجراآت و موجودیت مشکلات در زمینه، صحبت نموده، از کمیسیون مستقل انتخابات خواسته است تا هرچه زودتر طرح تعدیل این قانون را بفرستد.

قضاوت پوه فضل احمد معنوی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات، نیز ضمن ارائۀ توضیحات در زمینه، گفته است که، این کمیسیون به صورت جمعی پنجاه فیصد تعدیل را با درنظرداشت مطابقت قانون انتخابات با قانون اساسی، واقعیت های عینی جامعه، معیارهای بین المللی و استفاده از تجربه های گذشته، وارد قانون جدید انتخابات کرده است. که در جریان همین هفته، متن تعدیل شده ای طرح قانون انتخابات را جهت طی مراحل به وزارت عدلیه خواهد فرستاد.

روز بعد آن به تاریخ ۱۶ حمل، حامد کرزی در حالی که معاونین ریاست جمهوری حضو رداشتند، با رئیس و اعضای کمیسیون مستقل انتخابات در ارگ ریاست جمهوری دیدار کرد. در خبرنامۀ ریاست جمهوری آمده است که، رئیس و اعضای کمیسیون مستقل انتخابات در مورد آمادگی ها برای انتخابات ریاست جمهوری آینده به رئیس جمهور کشور معلومات دادند. همچنان رئیس کمیسیون مستقل انتخابات در مورد طرح ستراتیژی یا پلان پنج سالۀ آن کمیسیون توضیحات داده، اظهار نمودند که عنقریب آن را به رئیس جمهوری اسلامی افغانستان می فرستند.

در این دیدار، انتخابات گذشته، تخطی ها، تخلفات و مداخلات خارجی که در آن صورت گرفت، نیز به بحث گرفته شده و در مورد اینکه از آنها باید درس گرفت و نگذاشت که چنین واقعاتی در آینده تکرار گردند، تبادل نظر صورت گرفته است.

در این نشست حامد کرزی گفته است که ما به دو چیز نیاز داریم، نخست کمیسیون مستقل انتخابات نیرومند که مردم افغانستان بالای آن اعتماد داشته باشند و دوم مرجع عدلی و قضایی که در صورت بروز مشکلات انتخاباتی به حل آن بپردازد.

وضعیت امنیتی افغانستان و مساعدت ها، بعد از ۲۰۱۴

فیض

از آنجایی که امریکا گفته بود تا پایان سال جاری میلادی اکثریت نیروهایش را از افغانستان خارج می کند، هفتۀ گذشته، سفیر امریکا در کابل، به روزنامۀ دیلی تلیگراف بریتانیا گفته است، اگر غرب افغانستان را پیش از وقت ترک کند، شبکۀ القاعده توان آن را پیدا خواهد کرد تا حضور خود در این کشور را بیشتر ساخته و این بار تنها امریکا نه بلکه، تهدیدی برای همه کشورهای غربی خواهد بود. آقای کراکر هشدار داده است که، خروج پیش از وقت سربازان نتایج خطرناکی را در پی خواهد داشت.

به گفتۀ وی: «القاعده هنوز هم در افغانستان حضور دارد، اگر غرب تصمیم بگیرد که ده سال در افغانستان مدت خیلی طولانیست، القاعده برخواهد گشت و بار دیگر هدفش تنها واشنگتن و نیویارک نه بلکه، یک شهر بزرگ غربی دیگر خواهد بود.» روزنامۀ دیلی تلیگراف در نوشتۀ خود، خبر داده است که مقامات ناتو باور دارند که بیش از یک صد جنگجوی گروه القاعده وارد افغانستان شده و در ولایت های کنر و نورستان جاگزین شده اند. ولایاتی که با پاکستان همسرحد اند.

همچنان سفیر ایالات متحدۀ امریکا در کابل، از پیشرفت ها در افغانستان اشاره کرده گفته است که، در سال های آینده، این کشور به کمک های جامعۀ جهانی نیاز خواهد داشت. این اظهارات اقای کراکر در حالی است که، قرار است کنفرانسی توکیو، در کشور جاپان چهار ماه بعد (۸ جولای) دایر و روی موضوع مساعدت های کشورهای کمک کننده به افغانستان دایر گردد.

گفته می شود در کنفرانس توکیو روی تعهد مالی جامعۀ جهانی در مورد کمک ها از سال ۲۰۱۴ الی ۲۰۲۴ بحث صورت می گیرد. که برای آمادگی برگزاری این کنفرانس (توکیو)، نشستی یک روزه (یکشنبۀ هفتۀ گذشته) با اشتراک نمایندگان دولت افغانستان، و بیش از پنجاه کشور و سازمان های کمک کننده به کشورما راه اندازی شده بود. وزیر مالیۀ کشور که

ص۷